هر کسی که در خانه شما حضور دارد باید بداند هنگام وقوع زلزله چه اقدامی انجام دهد حتی اگر شما موقع وقوع حادثه آنجا نباشید.

چهره

اخراج به خاطر استفاده از بینی مصنوعی

وقتی جولین مور در برنامه تلویزیونی اندی کوهن اعلام کرد که بـه میل خودش از پروژه «اصلا می‌توانی مرا ببخشی؟» جدا نشده و نیکول هالفسـنر اخراجش کرده است، بسیاری انگشت به دهان ماندند. او درباره اختلاف‌نظرش با نیکول هالفسـنر درباره نقش لی ایزرائیل گفته بود: «فکر می‌کنـم کاری که می‌کردم را نمی‌پسندید. ما مشغول تمرین و انجام کارهای پیش تولید بودیم. به گمانم ایده او از شخصیت ایزرائیل با آن چه من در ذهن داشتم، فرق داشت.» اما بنا به ادعای هالیوود ریپورتر، جولین مور اصرار داشت که برای بازی در این نقش باید از بینی مصنوعی استفاده شود، تا نقشش طبیعی‌تر شود، اما هالفسنر در نقطه مقابل مخالف بود و این کار را مزاحم تمرکز بر داستان می‌دید و سرانجام تصمیم به اخراج جولین مور گرفت.

جوابیه

توضیحات تکمیلی کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال درباره یک گفت‌وگو

روز چهارشنبه گفت‌وگویی با مشـاور فرهنگی فدراسیون فوتبال انجـام داده بودیم که با تیتر «۳/۵ میلیارد تومان هزینه سرود تیم‌ملی در جام جهانی!» منتشر شد. روز گذشته از طرف جناب زمان‌آبادی توضیحی برای روزنامه ارسال شد که متن آن و حاشیه «شهروند» بر آن را در زیر می‌خوانیم.

مدیرمسئول محترم روزنامه شهروند
باسلام و احترام

نظر به انتشار مطالبی تحت عنوان نقل‌قول از مشاور فرهنگی فدراسـیون فوتبال در صفحات نخسـت و چهـارده روزنامه شهروند -مورخ ۲۲ اسفندماه ۱۳۹۷، متن تکذیبیه و توضیحات تکمیلی کمیته فرهنگی فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران به حضور تقدیم می‌شود. خواهشمند است براساس قانون مطبوعات، این جوابیه رسـمی در صفحات ذکر شده، با همان فونت و به صورت کامل منتشر شود:

«در کمال تعجب به نظر می‌رسد هدف و اصرار مصاحبه‌کننده در گفت‌وگوی مورخ ۲۲ اسفندماه با مشاور فرهنگی فدراسیون فوتبال، اثبات فرض «ولخرجی» فدراسیون در امور فرهنگی بوده است. فرضی که سست‌بودن اسـتدلال آن بارها و بارها توسط مشاور محترم فدراسیون مورد تاکید قرار گرفته، اما در نهایت در متن گفت‌وگو با تغییر در برخی کلمات مجددا بر آن پافشاری شده‌است.

مشاور فرهنگی فدراسیون در قسمتی از این گفت‌وگو تاکید می‌کند که «برای ساخت سرود تیم‌های ملی، فدراسیون فوتبال ریالی هزینه نکرده است.» اما خبرنگار مربوطه با تغییر اصل این جمله، مطلبی را نقل‌قول می‌کند که مشـخصا کذب است. از سوی دیگر در حالی که مصاحبه‌شـونده عنوان می‌کند: «برای جام‌ملت‌های آسیا خواننده محترمی با ساخت سرود، شخصا مبلغ ۱۵۰ میلیون تومان «هزینه» کرده است، خبرنگار با تغییر جمله از کلمه «دریافت کرده‌است» استفاده می‌کند. این در حالی است که هم در آن گفت‌وگو و هم این جا مجددا تاکید می‌شود که استاد ماهور این مجموعه هنری را به صورت رایگان و تنها با علاقه شخصی در اختیار فدراسیون گذاشـته و برای تهیه آن هزینه شخصی هم صورت داده اسـت یا در جایی دیگر عدد حمایتی شرکت هاکوپیان از فعالیت بنیاد رودکی به جای ۲.۵ میلیارد، ۳.۵ میلیارد قید شده‌است.

در قسـمت دیگری از ایـن گفت‌وگو بحـث و تبادل‌نظر درخصوص بودجه «هشت» میلیاردی فعالیت‌های فرهنگی در فوتبال انجام شد، اما درنهایت در زمان چاپ، این عدد در صفحه داخلی ۹.۵ میلیارد درج می‌شود. ضمن این که در صفحه نخست هم به شکلی دیگر عدد ۳.۵ میلیارد هزینه ساخت سرود برای ایجاد شائبه صرف این بودجه توسط فدراسیون نوشته می‌شود. البته این سطح از نظارت سردبیری بر تفاوت میان تیترهای اصلی صفحات نخست و داخلی هم خودجای تعجب دارد.

در پایـان، ضمن قدردانی از تلاش‌هـای جنابعالی به‌عنوان یکی از چهره‌های خوشنام رسانه امیدواریم سایر همکاران نیز خود را در جایگاه حامی فوتبال ملی قرار داده و با رعایت اخلاق و امانتداری، فضا را برای ارتقای هرچه بیشـتر سطح فرهنگی فوتبال کشورمان مهیا کنند.»

و اما توضیحات «شهروند»: با سپاس از توجه و لطفی که به روزنامه شهروند داشته‌اید، ذکر چند نکته خالی از لطف نیست. درباره ساخت سـرود تیم‌ملی در جام ملت‌ها با وجود اشتباهی که در انشای مطلب اتفاق افتاده، این جمله از جناب آقای زمان‌آبادی که «فدراسیون ریالی از جیبش هزینه نکرد» در مصاحبه مزبور آمده و گویای این است که سوءنیتی در کار نبوده. در مورد کمک و حمایت شـرکت هاکوپیان از فعالیت بنیاد رودکی به نظر نمی‌رسد اشتباهی شده باشد، چراکه عدد ۳/۵ میلیارد تنها برای سرود نوشته شده و نه کمک هاکوپیان. همان طور که در تیتر مطلب هم آمده و در جوابیه هم تکذیب نشده است. عین جمله آمده در مصاحبه این است که «حقوق ارکسـتر سـمفونیک ملی و خواننده آن کار به همراه اعزام آنها به روسـیه و اجرای زنده در سه شهر و هزینه‌های جانبی دیگر سـاخت این سـرود چیزی حدود ۳.۵ میلیارد تومان بودجه به خود اختصـاص داد.» نکته آخر هم مربوط به بحث بودجه فرهنگی فدراسیون در سـال ۹۸ است که صحیح آن ۹.۵ میلیارد اسـت و نه ۸ میلیارد که در توضیح بالا ذکر شده. براساس آن چه در مجمع فدراسـیون فوتبال تصویب شده و تصویر آن در پایین می‌آید. باز هـم از جناب زمان‌آبادی بابت پاسخگوبودن همیشگی‌شـان ممنونیم و برایشـان آرزوی موفقیت‌می کنیم.

روزنامه شـهروند آمادگی دارد تا در این زمینه و درصورت لزوم اطلاعات تکمیلی بیشتری را از سوی ایشان منتشر نماید.

پاسخ بابک تختی به جمشید مشایخی و موجی از حمایت مجازی

در حمایت از پدرم

شهروند| تختی آن‌قدر بزرگ بوده که بعد از ۵۱سال همچنان ابهام‌هایی پیرامون چرایی مرگش وجود داشته باشـد. با این‌که در طول نیم قرن اخیر روایت‌های زیادی از نحوه مرگ یکی از اسطوره‌های تاریخ ورزش ایران وجود داشـته، اخیرا اظهارات جمشید مشـایخی در تلویزیون واکنش‌های زیادی به همراه داشت. بعد از انتقادهای زیادی که از ادعای بازیگر پا به سن گذاشته سـینمای ایران شده بود، پسر تختی تصمیم گرفت در مصاحبه‌ای یک بار برای همیشـه به ابهام‌های موجود درباره مرگ پدرش پایان دهد.

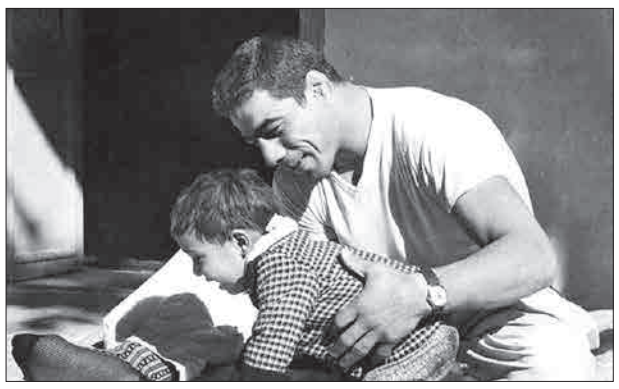

۲۰سال پیش فهمیدم پدرم خودکشی کرده

بابک تختی در مصاحبه خود با یکی از خبرنگاران خارج از کشـور به صراحت اعلام کرد پدرش به علت خودکشی فوت کرده؛ موضوعی که می‌گوید ۲۰سال قبل از آن اطمینان پیدا کرده‌است. پسر تختی ماجرا را این گونه توضیح داد: «من بیش از ۲۰سال پیش در ایران وقتی دنبال اسناد و مدارک درباره پدرم بودم، راهم کشیده شد به وزارت اطلاعات. آنها به من گفتند سری به هتل آتلانتیک زدی یا نه. من با صاحب هتل که از سال ۴۶ آن را در اختیار داشت، صحبت کردم. گفت چطور بابک جان نیامدی این همه سال قاتل پدرت را ببینی؟! من در طول راه دچار عذاب‌وجدان بودم که باید خودم می‌رفتم هتل یا کس دیگری را می‌فرستادم. وقتی مدیر هتل را دیدم و از مصیبت‌هایی شـنیدم که به خاطر مـرگ تختی در آن هتل داشت، گفتم تختی خودکشی کرده و همه کسانی که تختی را دوست دارند به این آقا یک عذرخواهی بدهکارند.»

تختی منتظر بود یکی نجاتش دهد

وقتی پسـر تختی بعد از نیم قرن به شـایعات پایان داد، از دانسـته‌های خودش درباره خودکشی پدرش برای علاقه‌مندان به او گفت: «من تصور می‌کنم تختی رفته بود هتل به این امید که شاید یکی سراغش بیاید و نجاتش بدهد. وگرنه می‌توانست برود باغ خودش.» بابک تختی دلیل این تصمیم را هم قرار گرفتن پـدرش در یک معضل بزرگ عنوان کرده: «نه می‌توانست کشتی بگیرد، نه می‌توانست انقلاب کند و... هیچی برایش نمانده بود. این بزرگ‌ترین مانعی بود که از عهده حل کردنش برنیامد.»

واکنش تند به اظهارات جمشید مشایخی

اظهارات اخیر جمشید مشایخی مبنی بر این که تختی به خاطر اختلاف با شهلا توکلی، همسرش تصمیم به خودکشی گرفته، بهانه اصلی مصاحبه بابک تختی بود. پسر غلامرضا تختی خیلی تند به ادعای بازیگر مطرح سینما و تلویزیون واکنش نشان داده است: «مسأله خودکشی بارها تکرار شـده و چیز تازه‌ای کشف نشده است. این اضمحلال کامل فرهنگی است. آقای مشایخی می‌گوید تختی نمی‌توانسـت با زنش زندگی کند. اصلا این تختی‌ای نیست که شما می‌شناسید آقای مشـایخی! اصلا تختی لات و لمپن نبود. زنش را دیده و می‌دانسته چه کسی است. معیارها و ارزش‌هایشان با شما تفاوت داشته است. تختی مگر مثل شما عقب مانده بود که نتواند از زنش طلاق بگیرد؟ منظور شما اختلاف نیست، منظور شما این است که شهلا به تختی خیانت کرده و تختی نمی‌توانست این را تحمل کند و خودش را کشت. این چه استدلال بیهوده و احمقانه‌ای است؟»

انتقاد از تلویزیون

یکی از بخش‌های صحبت‌های بابک تختی انتقاد از صداوسیما بود. او معتقد است این که جمشید مشایخی در تلویزیون چنین ادعایی را مطرح کرده، مقصر اصلی‌اش صداوسیماست: «بعد از ۵۰سال مدیران تلویزیون آنتن می‌دهند تا بحث خودکشی تختی به زردترین حالت ممکن منتشر شود. حتی دیگر زردترین روزنامه‌ها درباره سلبریتی‌ها هم این طور نمی‌نویسند که همسر فلان سـلبریتی با چه کسـی بوده و بعد از او چه کرده!» بابک تختی دلیل عدم مصاحبه‌اش با تلویزیون ایران را سانسور بخشی از گفت‌وگوی قبلی خود عنوان می‌کند: «من یکبار با صداوسیما مصاحبه کردم که به زمان مرحوم حاتمی برمی‌گردد، اما چون صحبت‌هایم را سانسور کردند، دیگر با تلویزیون صحبت نکردم.»

بابک هم مثل پدرش همه را غافلگیر کرد!

در روزهای اخیر هم مردم و هم برخی از چهره‌های مطرح به اظهارات جمشید مشایخی واکنش نشـان دادند و اکثرا هم حرف‌های او را تایید نکردند. بعد از انتشار مصاحبه بابک تختی خیلی‌ها از جسـارت پسـر جهان پهلوان به خاطر صراحتـش در روایت ماجرای خودکشـی پدرش تمجید کردند؛ اگرچه برخـی نیز نظرات دیگری داشـتند. یکی از کاربران دراین‌باره نوشته بود: «دوران سـربازی یکی از هم‌خدمتی‌هایم کتابی آورد که در آن عکس‌های عروسی تختی چاپ شده بود. من به غیر از تختی کسی‌رو نمی‌شناختم. عکس‌ها با آن‌چه در ذهنم از تختی ساخته بودم، خیلی فرق داشت. حالا هم پسر تختی مثل پدرش همه را غافلگیر و خودکشـی پدرش را تایید کرد.» حالا شاید همه در انتظار واکنش جمشید مشایخی به این ماجرا باشـند، چون جو به وجود آمده علیه این بازیگر باسابقه سینما و تلویزیون است.

حاشیه‌های جام‌جم هنوز ادامه دارد

چه کسی برای عادل دست نزد؟

رسانه‌ها ادعا می‌کنند که صدها هزار نفر پیج اینستاگرامی گلزار را ترک کرده‌اند

پولاد امین| حاشیه‌های جشنواره جام‌جم انگار تمامی ندارد. بعد از اتفاقات رخ‌داده در روزهای رأی‌گیری که کلیت جشنواره جام جم را تحت‌تاثیر خود قرار داد و باعث شد این جشنواره در اذهان مردم تبدیل شود به محل منازعه مدیران تلویزیون با برنامه مغضوب شبکه سـه؛ اهدای جوایز این جشنواره هم برعکس آن که به نظر می‌رسید، حواشی را تمام نکرد و حتی می‌توان گفت نفتی بود بر آتش جنجال‌ها. به‌خصوص گفته‌های بغض‌آلود عادل فروسی‌پور و البته ادعای محمدرضا گلزار که قطب‌بندی عجیبی را در فضای مجازی و بین تماشاگران تلویزیون به‌وجود آورد...

عادل و علی

فردای مراسم جام‌جم سوالی که بیش از هر پرسش دیگری در مجموعه مطالب و پست‌هایی که ذیل هشتگ‌های مرتبط با این جشنواره دست‌به‌دست می‌شد این بود که «چه کسی برای بغض عادل فردوسی‌پور دست نزد؟» پرسشی که راه به نتیجه‌گیری‌های گوناگونی باز می‌کرد و در نهایـت، با هر نگاه و نگرش و دیدگاهی حکم به محکومیت مدیر تازه کار شبکه سه می‌داد...

عادل بعد از این که در شب مراسم توانست دو تندیس جام‌جم را به دست آورد، با تاکید بر این که «سخت‌ترین سال کاری‌اش را سپری کرده؛ گفت: «خوشحالم در سخت‌ترین سال کاری‌ام که در رسانه خودم هم به من بی‌مهری شد، دیده شدم؛ هم از طرف مردم و هم از طرف اهالی رسـانه.» او که منقلب شده بود، گفت: «برای سختی‌هایی که امسال کشیدم، منقلب شدم، ولی این جایزه که لطف مردم و سازمان بود، مثل یک اکسیر است و تمام غم‌هایم را کنار می‌گذارم.»

بعد از ایـن گفته‌های بغض‌آلود که مـوج حمایت عظیمی به راه انداخت؛ سـایت‌ها به‌یک‌باره پر شد از شـرح و بسط ماجرا: «کارگـردان تلویزیونـی اختتامیه از میانـه صحبت‌های غافلگیرکننده فردوسی‌پور تصویر مدیر شبکه ۳ سیما را پخش کرد. او به‌رغم تشویق چندباره فردوسی‌پور توسط حاضران به کل از دست زدن برای او خودداری کرد.»

گلزار علیه گلزار!

اما ماجرای گلزار حتـی مهمتر هم بود. او که با تشـکر از مدیر شبکه سه عملا خود را مقابل مـردم قرار داده بود، با واکنش‌های منفی زیادی مواجه شـد. موضع‌گیری‌های منفی پرتعـدادی کـه می‌تـوان تمام‌شـان را در ایـن تیتر خلاصه کرد: «ریزش فالوورهای گلزار.»

ظاهرا رسانه‌ها ته‌وتوی ماجرا را درآورده‌اند که با مقایسه تعداد فالوورهای صفحه محمدرضا گلزار در اینسـتاگرام، قبل و بعد از اختتامیه جشنواره، ۳۰۰هزار نفر از دنبال کنندگان این سوپراستار کاسـته شـده. خبرگزاری‌ها در این مورد نوشتند که گویا دامنه انتقادها و واکنش‌های مردمی به گلزار به اینستاگرام نیز کشیده شده و از فالوورهای صفحه او ۳۰۰هزار نفر کم شده‌است.

ماجراهای گلزار (۲)

گلزار که همین‌طوری با حمایت از مدیر شبکه سه خود را مقابل هواداران عادل قرار داد، در ادامه وقتی خودش را عامل بازگشـت مردم به آغوش تلویزیون نامید، بحث‌انگیزتر نیز شـد. ادعایی که در همان روز نخست صدای مجریانی چون امیر جوشقانی، المیرا شریفی‌مقدم و محمد نظری را درآورد. جالب این که این واکنش‌ها و موضع‌گیری‌ها در قبال صحبت‌های گلزار تا امروز هم ادامه یافته است...

از جمله این واکنش‌های متاخر می‌توان به واکنش آزاده نامداری اشاره کرد که بسیار پسندیده شده‌است.

آزاده علیه گلزار

آزاده نامداری یکی از تندترین انتقادها را انجام داد و با انتشـار عکس شماری از مجریان تلویزیونی ادعاهای گلزار را حاصل دوری و خانه‌نشینی مجریان دانست. نامداری در اینستاگرام نوشت: «این همه سرمایه با صرف انرژی و هزینه طی سال‌های‌سال در تلویزیون باشد، بعد بخشی از این مجریان حرفه‌ای در سازمان را روانه خانه کنیم و دیگران را هم به حاشیه!! و درنهایت بهترین اجرای تلویزیونی در جشنواره جام‌جم را به فردی که در حرفه دیگری موفق بوده، اهدا نماییم!! آن روزی که از تحقیر مجریان حرف می‌زدم دلهره این روزها را داشتم»...

توهم

عکس‌العمل‌ها یکی دو تا نبودند. محمد نظری، مجری تلویزیون در واکنش تندی خطاب به گلـزار گفت: «محمدرضا گلزار دچار توهم شده. سـینما قبل از گلزار وجود داشته و پس از او نیز وجود خواهد داشت، تلویزیون نیز قبل از گلزار بود و با نبود او نابود نخواهد شد.»

انتقادهای جشنواره‌ای

اما تمام انتقادات منحصر به گلزار و مدیر شبکه سه نبودند و خود جشنواره و نحوه برگزاری آن نیز صدای خیلی‌ها را درآورد. از جمله ارژنگ امیرفضلی که در یک کلیپ تصویری طنزآمیز، با احسان علیخانی، محمدرضا گلزار و رضا رشـیدپور و نحوه تقسیم جوایز جشنواره شوخی کرد و تلویحا جشنواره را متهم کرد که تنها این سه نفر را دیده‌است.

محسن تنابنده هم جشـنواره تلویزیونی جام‌جم را به مجلس ختم تشبیه کرد. او به کنایه نوشت: «جشنواره جام‌جم عین مجلس ختمه، جایزه شم عین خرما هر کی از در میاد بیرون یکی دستشه. آقا جم‌وجور کنید این جام‌جم رو بذارین جایزه‌اش ارزش پیدا کنه. تنها کسی که از جشنواره جایزه نگرفت صندلی کنار دستیه آقای رویگری بود، اونم به این خاطر که تا آخر مراسم خالی موند. (ناگفته نماند به منم خرما رسید.)».

فشاری از جانب دولت نبود

محمد دلاوری، مجری برنامه «پایش» و برنده جایزه بهترین اجرا که پس از دریافت جایزه گفته بود «یکی از ملزومات مدل برنامه‌های ما، تهدید اسـت. هر از گاهی یکی زنگ می‌زند و چیزی می‌گوید. چند وقت پیش یکی به تهیه‌کننده ما زنگ زد و گفت به فلانی بگویید که اگر همین‌طور ادامه دهد، حسرت اجرای زنده را بر دلش می‌گذارم. من ایـن جایزه را می‌خواهم به او تقدیم کنم»؛ و خیلی‌ها فکر کرده بودند خطاب او به مسـئولان نهاد است، اخیرا شفاف‌سازی کرده و ضمن تکذیب تمامی این شایعات نوشته: «کسی که من رو تهدید کرد از جانب دولت آقای روحانی نبود، این دولت، بیانیه و گلایه و مقاله علیه ما (من و برنامه) داشته، اما حتی وقتی از وزیـر اطلاعات انتقاد کردم، تهدید و شکایتی از من نکردند، تهدید و شکایت‌ها و فشـارها، خـارج از دولت بوده»...

تریبون

محمدعلی کشاورز: «اولیـن توصیـه من به بچه‌هایی که به خانواده تئاتر می‌پیوندند، نجابت داشتن است، مسأله دوم مطالعه درست و خوب ادبیات این مملکت است و نکتـه دیگر این اسـت که بایـد جای جای مملکت‌شـان را ببیننـد و بشناسـند و بـا فرهنگ‌های مختلف آشنا شوند. ما نباید صرفا به کسانی که پیش از این بوده‌اند، بسنده کنیم، باید جوانان دست به قلم را دید و از آنها خواست که از مسائل مختلف انسانی سخن بگویند.»

وینفرد شـفر: «اگر شما فقط دربی را ببرید، نمی‌توانید قهرمان شوید. تیمـی کـه قهرمانـی می‌خواهد بایـد همه را ببرد. بازی امـروز مهمتر از دربی اسـت. من نمی‌توانم پاتوسی را کنار بگذارم، فقط به خاطر این کـه در بازی آینده دربی داریـم. این را هم بدانید که من ترکیبی را که خودم انتخاب کنم، به میدان می‌فرستم و براساس فشار سکوها و رسانه‌ها ترکیب تیم را عوض نمی‌کنم. تیمی که خودم بخواهم انتخاب می‌کنم، نه ترکیبی که رسانه‌ها و هواداران بخواهند.»

داریوش فرهنگ: «به نظر می‌آید مدیران و مسـئولان و کارگزاران فرهنگی ما در تداوم یک رویه مثبت کوشا نیستند. «افسانه سلطان و شبان» می‌توانست آغازگر و جریان‌سـاز تمامی افسـانه‌های شـرقی و به‌خصوص ایرانی شود. من حداقل ۵۰ داستان و افسـانه ایرانی می‌توانم برایتان مثال بزنم که می‌توانستند شخصیت، هویت و افسانه‌سازی کنند اما متاسـفانه از جانب مدیران هیچ نوع حمایتی برای این موضوع نشد.»

مجیـد جلالی: «در مجموعـه بازی‌هـای پرچالشی هسـتیم، اما فرصت خوبی اسـت تا خودمان را به‌عنوان یک تیم بـزرگ اثبات کنیـم. بازیکنانـم با تمام مشکلاتی که دارند، سعی می‌کنند بجنگند، تا ضمن خوشحال کردن هواداران نتیجه خوبی هم بگیریم. بازی با استقلال به‌طور قطع یکی از بهترین بازی‌های ما خواهد بود و نتیجه خوبی می‌توانیم بگیریم. استقلال مصدومان زیادی دارد، اما بازیکنان بزرگ دیگری دارد. شرایط ما سخت‌تر از استقلال است، زیرا ولسیانی، نظری و عباس‌زاده را نداریم.»

رویداد

تراکتور، صدرنشین جدید لیگ برتر

بعد از یـک وقفه به خاطر حضور سـه تیم ایرانی در لیگ قهرمانان آسیا، از پنجشنبه هفته بیست‌ودوم لیگ برتر پیگیری شد که مهمترین اتفاق، صدرنشینی تراکتورسازی بود. تبریزی‌ها با شکسـت پدیده در یک بازی خانگی با ۴۳ امتیاز صدرنشین جدید لیگ لقب گرفتند. با این‌که سپاهان می‌توانسـت با شکست فولاد در روز افتتاح ورزشگاه فولادآره‌نا صدر جدول را پس بگیرد، شـاگردان قطبی و قلعه‌نوعی به تسـاوی رضایت دادند. امروز هم در دو بازی مهم و حساس در روزهای پایانی سال استقلال میزبان نسـاجی است و پرسـپولیس هم به میهمانی سپیدرود می‌رود.